

تأثیر راحت طلبی بر کاهش تمایل به فرزندآوری در بستر تغییر سبک زندگی

نویسندگان	وابستگی سازمانی
عزیزه احمدی *	طلبه سطح سه، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه الزهرا (س)، اردبیل، ایران
حکیمه نوری	طلبه سطح چهار، معاون پژوهش حوزه علمیه (خواهران) الزهرا (س)، اردبیل، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	تحولات اخیر در ساختار و کارکرد خانواده ایرانی، به شدت تحت تأثیر فرآیندهای جهانی شدن و نفوذ الگوهای فرهنگی غربی قرار گرفته است. این تحولات با ایجاد تغییرات عمیق در سبک زندگی، منجر به دگرگونی نظام‌های ارزشی سنتی شده و اولویت‌ها را از پایبندی به تعهدات خانوادگی به سمت رفاه و آسایش فردی سوق داده است. در سبک زندگی معاصر، برجسته شدن مؤلفه‌هایی همچون راحت‌طلبی، مصرف‌گرایی و فردگرایی، زمینه‌ساز بروز چالش‌های جمعیتی، به‌ویژه کاهش تمایل به فرزندآوری شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از یک رویکرد میان‌رشته‌ای، به بررسی دقیق ارتباط میان ابعاد مختلف سبک زندگی مدرن و گرایش‌های ضد فرزندآوری می‌پردازد. قلمرو اصلی این بحث شامل تحلیل سازوکارهای فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی مؤثری است که این تغییرات را هدایت می‌کنند. در این مسیر، منابع پژوهش بر داده‌های آماری رسمی، متون علمی معتبر و مطالعات بین‌المللی در حوزه خانواده تکیه دارد. دستاوردهای نهایی این مطالعه شامل شناسایی مؤلفه‌های کلیدی سبک زندگی راحت‌طلبانه مرتبط با کاهش نرخ باروری و ارائه یک چارچوب مفهومی منسجم است که روابط پیچیده میان این مؤلفه‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری برای فرزندآوری را تبیین می‌کند. این پژوهش راهگشای درک بهتر چالش‌های جمعیتی ایران است.
صفحه	۵۱ - ۴۱
دوره ۱، شماره ۶ (شماره پیاپی ۶)	
اطلاعات نویسنده مسئول	
نویسنده مسئول	عزیزه احمدی
کد ارکید	
تلفن	۰۹۱۴۵۳۱۷۰۴۴
ایمیل	ahmdyhydr511@gmail.com
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت	۱۴۰۵/۰۱/۰۷
تاریخ ویرایش	۱۴۰۵/۰۲/۰۸
تاریخ پذیرش	۱۴۰۵/۰۴/۲۰
تاریخ انتشار	۱۴۰۵/۰۶/۰۱
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی
واژگان کلیدی	فرزندآوری، سبک زندگی، راحت طلبی، کاهش فرزند
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	احمدی، عزیزه؛ نوری، حکیمه (۱۴۰۵)، «تأثیر راحت طلبی بر کاهش تمایل به فرزندآوری در بستر تغییر سبک زندگی»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۶، شماره پیاپی ۶، (مرداد)، صفحات ۴۱ - ۵۱
دهی	

The Impact of the Desire for Comfort on Reduced Willingness to Have Children Amidst Lifestyle Changes

Authors		Organizational Affiliation
Azizeh Ahmadi *		Level 3 Seminary Student, Field of Jurisprudence and Principles, Al-Zahra Seminary, Ardabil, Iran
Hakimeh Nouri		Level 4 Seminary Student; Deputy for Research, Al-Zahra (SA) Seminary (for Women), Ardabil, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Scientific Research	Recent developments in the structure and function of the Iranian family have been profoundly influenced by globalization and the penetration of Western cultural patterns. These changes have brought about deep shifts in lifestyle, transforming traditional value systems and redirecting priorities from adherence to family obligations toward individual well-being and comfort. In contemporary lifestyles, the prominence of factors such as the pursuit of ease, consumerism, and individualism has paved the way for demographic challenges—most notably, a decline in the inclination to have children. Employing an interdisciplinary approach, this research closely examines the relationship between various dimensions of modern lifestyle and trends opposing childbearing. The study primarily analyzes the cultural, economic, and psychological mechanisms driving these changes, drawing upon official statistical data, authoritative scholarly literature, and international studies on the family. The study’s findings identify key components of a comfort-oriented lifestyle linked to declining fertility rates and present a coherent conceptual framework that elucidates the complex interplay between these factors and the decision-making process regarding childbearing. This research paves the way for a better understanding of Iran's demographic challenges.
Pages	41 - 51	
Volume 1, Issue 6 (Serial Number 6)		
Corresponding Author’s Info		
Corresponding Author’s	Azizeh Ahmadi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09145317044	
Email	ahmdyhydr511@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/04/28	
Accepted	2026/06/09	
Published Online	2026/07/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Childbearing, lifestyle, love of ease, decline in the number of children
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Ahmadi, Azizeh; Nouri, Hakimeh (2026), “The Impact of the Desire for Comfort on Reduced Willingness to Have Children Amidst Lifestyle Changes”, Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 6, Six Consecutive Issue (September), pp. 41 – 51	

۱: مقدمه

کاهش گرایش به فرزندآوری در دهه های اخیر، به یکی از موضوعات محوری در مطالعات جمعیت شناسی و جامعه شناسی خانواده تبدیل شده است. جامعه ای که پیش تر بر بنیان های خانواده محوری و تداوم نسل استوار بود، اکنون تحت تأثیر تحولات ساختاری و ارزشی ناشی از جهانی شدن، مدرنیزاسیون و تغییر سبک زندگی، دستخوش دگرگونی های عمیق شده است. در این میان، برجسته شدن رویکردهای رفاه محور و آسایش گرایانه، همراه با گرایش های فردگرایانه و مصرف گرایانه، کارکرد سنتی خانواده در زمینه نسل آوری را با چالش مواجه ساخته است. اهمیت واکاوی این پدیده در تأثیرات چندبعدی آن بر نظام اجتماعی و اقتصادی کشور نهفته است؛ از جمله تغییر ساختار سنی جمعیت، افزایش ضریب وابستگی، شکل گیری جامعه سالخورده و تضعیف سرمایه اجتماعی این تحولات ایجاب می کند که مطالعات، فراتر از عوامل صرفاً اقتصادی، به تحلیل لایه های فرهنگی، ارزشی و روان شناختی مؤثر بر رفتار باروری بپردازند. یافته های حاصل از پژوهش های پیشین گویای آن است که افزایش اولویت دهی به رفاه و آسایش فردی، همواره با کاهش تمایل به پذیرش مسئولیت های بلندمدت، از جمله فرزندپروری، همبستگی دارد. چنین شواهدی بر ضرورت بررسی همزمان دگرگونی های سبک زندگی، با تأکید ویژه بر گرایش های رفاه طلبانه و راحت طلبانه، در بستر فرهنگی ایران تأکید می ورزد. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف واکاوی رابطه میان تغییرات سبک زندگی و افت تمایل به فرزندآوری، تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر شواهد، چارچوبی مفهومی برای تبیین این پدیده ارائه دهد و مسیر را برای سیاست گذاری های کارآمد در حوزه جمعیت و خانواده هموار سازد.

۲: مفهوم سبک زندگی

روش، نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را «سبک زندگی» گویند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۶۲۷) مفهوم «سبک زندگی» طی چند دهه اخیر، ذهن صاحب نظران عرصه های گوناگون از جمله جامعه شناسی و روانشناسی را به خود مشغول کرده است. مکتب های فلسفی مختلفی نیز در دنیا وجود دارند که هر کدام بر اساس جهان بینی خاصی که به مکاتب خویش قائل هستند به سبک زندگی نظر داده اند که در زیر مفهوم سبک زندگی از دیدگاه جامعه شناسی، روان شناسی و دیدگاه دینی مفهوم شناسی می شود. مفهوم سبک زندگی در جامعه شناسی به گونه های مختلفی بیان شده است و جامعه شناسان فراوانی در این زمینه سخن به میان آورده اند. از نظر اکثر جامعه شناسان سبک زندگی، مسئله ای است در جهان، که فرآیند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلایقی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت های آن. اما سبک زندگی از نظر روانشناسان عبارت است از نحوه ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته ها با بکارگیری مجموعه ای از رفتارها که از طریق نحوه صرف زمان، پول و مواد در ابعاد، انتخاب اشیاء مصرفی، انتخاب علائق و ترجیحات (سلیقه) و انتخاب ادراک خاص از اشیاء مصرفی، رفتارهای مصرفی و سلیقه خاص انجام می گیرد. دیدگاه های فوق، سبک زندگی را مجموعه نظام مند و وحدت مندی از کنش ها و رفتارها می دانند. روان شناسان، رفتارها، نگرش ها و ارزش ها را نیز جزء سبک زندگی می دانند؛ و الگوهای سبک زندگی را جزء عناصر تشکیل دهنده رفتار انسان قلمداد می کنند. در مبانی نظری «سبک زندگی» همان راه های گوناگون زندگی فرد یا گروه است و در مبانی کاربردی، سبک زندگی بعنوان الگوها، اعتقادات، سلیقه ها، ارزش ها و هنجارهایی در زندگی روزمره انسان به کار رفته است. سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی را الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتاری می داند که از تعامل بین ویژگی های شخصی، روابط اجتماعی، شرایط محیطی و موقعیت های اجتماعی-اقتصادی حاصل می شود؛ بطوریکه روش زندگی مردم بازتابی از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت های اجتماعی آنهاست. (استاجی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۴) با تحلیل آنچه در باب سبک زندگی گفته شد، می توان چنین نتیجه گرفت که سبک زندگی، اموری را شامل می شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می شود و هم در ابعاد رفتاری مانند: حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای خاص آن را در بر می گیرد. در مفهوم دینی، سبک زندگی از نوع نگرش انسان به اهداف مادی و معنوی زندگیش شکل می گیرد که در این صورت سبک زندگی قالب دینی و اسلامی خواهد داشت و بهترین مفهوم برای سبک زندگی دینی و اسلامی تعریف

مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) است که می فرماید: « زندگی اسلامی یعنی آنچه که در آن هم سعادت دنیااست و هم سعادت عقبی؛ هم رفاه مادی هست هم تعالی معنوی. همه چیز در زندگی اسلامی و حیات طیبۀ اسلامی جمع است.» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۰۷/۲۶)

۳: گرایش های رفاه طلبانه و راحت طلبانه، مولفه سبک زندگی معاصر

مفهوم رفاه بیشتر به کیفیت زندگی و نوع برخورداری فرد از امکانات، ناظر است. سطح مورد انتظار از رفاه در هر جامعه، تابع چند متغیر اصلی به ویژه فرهنگ رفاه (مجموعه ی باور ها، ارزش ها، نظام معنایی مشترک درباره ی شیوه ی زیست رفاهی در یک جامعه) است. عنصر مهم دیگر، ظرفیت ها و امکانات فعلیت یافته و در دسترس محیط است. رفاه جویی به دلیل داشتن منشا فطری فحود از جمله محرک های جدی برای سوق یابی به مصرف گرایی با هدف ارضا و دستیابی به سطح مورد انتظار است. در تعریف رفاه نیز می توان گفت: بهره مندی و التذاذ فرد از آن سنخ امکانات زندگی که آلام جسمی و روانی و استرس ها و بیم ها را به حداقل می رساند و رسیدن انسان به اهداف زندگی (در حوزه ی نظیر بهداشت و سلامت، اشتغال، آموزش، اوقات فراغت، برنامه های تفریحی و ...) را میسر می سازد. (حمیدیه، ۱۳۹۲: ۲۰۳) راحتی طلبی، که می توان آن را به معنای گریز فعالانه از پذیرش مسئولیت ها و تعهدات پیچیده و دشوار در زندگی فردی و اجتماعی تعریف کرد، یکی از مهم ترین پیامدهای مدرنیته محسوب می شود. این روند، انسان را به سمت کسب آسایش بیشتر و پرهیز از هرگونه زحمت و دشواری سوق می دهد و در نتیجه، مسئولیت پذیری افراد را در قبال وظایف و تعهداتشان کاهش می دهد. این کاهش مسئولیت پذیری، به بهانه های گوناگون، از جمله دشواری های اقتصادی، فشار روانی، یا ضرورت حفظ آسایش شخصی، مانع از افزایش تمایل به فرزندآوری شده و آن را به حداقل می رساند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۶۴). از نظر تورستین وبلن، آسایش و مالکیت به عنوان عناصر ساختار اجتماعی یا واقعیت های متداول زمان هستند. یکی از جلوه های سبک زندگی مدرن رفاه طلبی است. رفاه طلبی، انسان را چنان به خود جذب کرده است که طرح ها و افکاری چون آزادی لجام گسیخته را برای رسیدن به لذت های بیشتر مطرح کرده اند. تورستین معتقد است: «برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست؛ ثروت یا قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکارکردن آن ها به دست می آید و نه فقط نمایش ثروت، نشانه ای بر اهمیت شخص از نظر دیگران و وسیله ی حفظ این رابطه است، بلکه کمتر پیش می آید که در ایجاد و حفظ آسودگی خیال شخص فایده ای نداشته باشد.» (ملتفت و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳). انتهای فرهنگ مدرنیته به این شکل است که انسان را هر روز راحت طلب تر از قبل بار می آورد و در نتیجه مسئولیت پذیری انسان را کاهش داده و به بهانه های گوناگون تمایل به فرزند آوری را به حداقل می رساند. در فضای فرهنگی جدید، رفاه طلبی و مصرف گرایی به هنجارهای مطلوب بخشی از خانواده های شهری تبدیل شده است. این خانواده ها با تاکید بر آسایش شخصی، آزادی در انتخاب سبک زندگی و پرهیز از مسئولیت های طولانی مدت، فرزند آوری را عاملی محدود کننده برای تحقق اهداف فردی تلقی می کنند. در واقع داشتن فرزند نه تنها مستلزم صرف زمان، انرژی و هزینه های قابل توجه بلکه مانع تجربه لذت های متنوع زندگی از جمله سفر، تفریح، ارتقاء شغلی و تحصیل می شود. چنین نگرشی موجب می شود فرزند آوری یا به تأخیر افتد یا در حداقل ممکن انجام گیرد. این وضعیت همراه با کاهش ارزش سنتی فرزند به عنوان سرمایه اجتماعی خانواده، ساختار تصمیم گیری زوج ها را به سمت انتخاب زندگی بی فرزند یا کم فرزند سوق داده است. (چراغی، ۱۴۰۰: ۱۵) بر اساس یافته های پژوهش های داخلی، افراد با گرایش های رفاه طلبانه و لذت جوینده کمتر به داشتن فرزند علاقه مند هستند، چرا که این گرایش ها اولویت های زمانی، مالی و انرژی را از خانواده به سوی فعالیت های شخصی سوق می دهند. (اکبر و مقامی، ۲۰۱۸: ۳۱۰) فضای تبلیغات و رسانه، این ارزشها را تقویت کرده و مسوولیت های خانوادگی به حاشیه رانده می شوند. (وکایی، ۱۳۷۶: ۳۳)

۴: جهان بینی مادی و مصرف گرایی: بستری برای راحت طلبی و کاهش فرزندآوری

یکی از تحولات مهم خانواده در حوزه سبک زندگی، تغییر در سبک مصرف است. مهمترین ویژگی مصرف در دوران جدید آن است که از جنبه رفع احتیاج، به سمت مصرف فراغتی تغییر کرده است. به تعبیر دیگر امروزه بخش کمتری از درآمد خانواده به مصرف امور ضروری می رسد و مصرف خود به لذت تبدیل شده است. نتیجه آن که بخش زیادی از درآمد خانواده ایرانی صرف خرید های پیش بینی نشده می شود اگر در

گذشته خانواده هنگام انتخاب آن بر دوام آن تأکید می کرد، هم اکنون در خرید اشیای مصرفی، تعویض پذیری در فاصله کوتاه به پیش فرض تبدیل شده است در واقع خانواده جدید با مصرف، هویت سازی و هویت نمایی می کند این کنش از آنجا بر فرزند آوری اثرگذار است که با فراگیری سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، خانواده از پذیرش فرزندان بیشتر استقبال نمی کند؛ چرا که فرزندان بیشتر، مصرف دیگر اعضای خانواده را بحران مواجه می کند، از سوی دیگر خانواده های پر جمعیت در فضای مصرف گرایی به دلیل ناتوانی در خود نمایی، احساس خواری می کند. (جوکار و پاریزی، ۱۳۹۳: ۲۰) مصرف گرایی، با تشویق مداوم به لذت جویی آنی، موجب تغییر در اولویت های فردی و اجتماعی می شود؛ تعهدات بلند مدت، فرزندآوری، و وظایف اجتماعی جای خود را به ارضای فوری نیاز ها می دهند. در چنین فضایی، مسئولیت های سنگین به عنوان مانع روانی تلقی شده و افراد تمایل دارند از آن فاصله بگیرند. (رحیمی، ۱۳۹۸: ۵۹) در جهان بینی مادی که پیدایش آن با مدرنیته بود، جامعه به سمت تحریک اشتهاهای آدمی و کامیابی بیشتر از زندگی و در نتیجه روی آوردن به مصرف گرایی در حرکت است. مصرف گرایی، اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی های مادی است. برخی مصرف گرایی را به معنای برابر دانستن خوشبختی شخصی با خرید دارایی های مادی گرفته اند. در جنبش مصرف گرایی، دنیای غرب از رویکرد تولیدی به رویکرد مصرفی روی آورد. در نتیجه غرب از جامعه تولیدی به جامعه مصرفی تبدیل شد و هدف، افزایش مصرف و کامیابی قرار گرفت. پس از غرب، کشورهای توسعه نیافته نیز با اثرپذیری از تبلیغات و عوامل دیگر به جامعه مصرفی تبدیل شدند. برای تسریع در سیر به سوی جامعه مصرفی، سیاست هایی چون برگزاری نمایشگاه ها، تأسیس فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای و ورود و عرضه کالاهای مصرفی ارزان قیمت اجرا شد. تفاوتی که جامعه مصرفی با پیش از خود داشت، این بود که پیش تر مصرف کالاهای فراوان ویژه طبقه ثروتمند و مرفه بود، ولی در جامعه مصرفی، مصرف این کالاها برای مردم عادی نیز رواج یافت. البته کالا های گران قیمت و با کیفیت بالا ویژه ثروتمندان و کالاهای ارزان قیمت و بی کیفیت تر ویژه مردمان عادی بود. (سیدی نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۹) مصرف گرایی، سبب افزایش هزینه است. طبیعی است که وجود فرزند زیاد، مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه دارد و چون هدف انسان در دوران جدید، مصرف گرایی و افزون سازی بهره مندی از زندگی معرفی شده و در این هدف، فرزندآوری کمتر مورد نظر قرار گرفته است. خانواده ها ترجیح می دهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه ها، مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه و لذت افزونتری داشته باشند. این باور موجب کاهش سطح باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است. (افشار کهن و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). الگوی زندگی مصرف گرا، روابط انسانی را نیز دچار تحول کرده است؛ روابط عمیق و مسئولیت پذیر، تشکیل خانواده و فرزندآوری جای خود را به تعاملات سطحی و مبتنی بر منافع زود گذر داده اند. این تغییر سرمایه ی اجتماعی و انسجام فرهنگی را تهدید می کند. (همان، ص ۶۱) در چارچوب فرهنگ مصرف گرا، راحت طلبی به ارزش هسته ای بدل شده است. این ارزش، تلاش و پیگیری بلندمدت را فاقد جذابیت جلوه داده و در نتیجه، نقش های سنتی مسئولیت پذیری، مخصوصا در خانواده و جامعه ی مدنی، به حالتی حاشیه ای درآمده اند. (سیدی نیا، ۱۳۸۸: ۶۳) مصرف گرایی در جامعه ی ایرانی، علاوه بر آثار اقتصادی، تغییرات عمیق در ساختار و کارکرد خانواده ایجاد کرده است. گسترش تبلیغات و بازاریابی تهاجمی، ارزش های مادی را جایگزین بسیاری از ارزش های فرهنگی و معنوی نموده و موجب نزاع های درون خانوادگی بر سر اولویت های هزینه ای شده است. (علی پور، ۱۳۹۴: ۷۲) خانواده هایی که به شدت تحت تاثیر فرهنگ مصرفی قرار دارند، تمایل بیشتری به رقابت نمادین در قالب خرید کالاهای لوکس نشان می دهند حتی اگر این امر به فشار اقتصادی و کاهش همبستگی منجر شود. (علی پور، ۱۳۹۴: ۷۵) اگر نیاز های اولی و ثانوی (رفاهیات متناسب با انتظار عموم و شان افراد) را معیار تعیین حد مجاز مصرف تلقی کنیم، مصرف گرایی مذموم دامن زدن به مصارفی فراتر از حد مجاز است که غالبا به خواسته ها یا نیاز های کاذب از آنها یاد می شود. این نکته در ارتباط مستقیم با کاهش فرزندآوری است، زیرا افزایش خواسته های رفاهی و نیازهای غیرضروری می تواند اولویت های زندگی را از فرزندآوری به سمت تامین آسایش فردی تغییر دهد. (محمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴) پیامد نهایی این چرخه آن است که فرزندآوری نه تنها هزینه های مالی و زمانی زیادی دارد، بلکه مانع دستیابی به لذت ها و رفاهی می شود که جامعه به طور مداوم تبلیغ می کند. در نتیجه، خانواده ها با اولویت دادن به رفاه و راحتی خود، اغلب تصمیم به کاهش تعداد فرزندان یا حتی بی فرزندی می گیرند، که این امر در نهایت به کاهش نرخ باروری و تغییرات ساختاری جمعیت منجر می شود.

۵: فردگرایی و تأثیر آن بر راحت طلبی و فرزندآوری

امروزه بسیاری از ارزش های خانوادگی کم و بیش دگرگون شده اند. پژوهش های صورت گرفته در خصوص تحولات خانواده ایرانی، حاکی از این است که برخی ابعاد سنتی خانواده در ایران، طی چند دهه ی گذشته رو به تغییر نهاده و برای نسل های جدید، دسته ای جدید از ارزش ها و نگرش ها مطرح شده است. یکی از عوامل فرهنگی موثر بر باروری، توسعه ی ارزش های فردی و فردگرایی است. منظور از فردگرایی این است که کنشگران اجتماعی، به جای اولویت دادن به خواسته ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزش ها و خواسته های فردی خود اولویت می دهند. به عبارت دیگر در فردگرایی، همه ی قوانین و احکام جمعی، بر حسب احکام و ترجیحات شخصی تفسیر و بازتعریف می شوند. در چنین زمینه ای راحت طلبی و رفاه طلبی فردی مجال ظهور بیشتری پیدا می کند و فرد کمتر حاضر به پذیرش مسئولیت های سنگین خانوادگی، از جمله فرزندآوری می شود. این تغییر ارزش ها همسو با رشد مصرف گرایی و رفاه محوری باعث شده است نسل جدید زندگی را بیشتر در قالب تامین آسایش شخصی و لذتجویی تعریف کند تا تلاش و فداکاری برای استمرار نسل و تربیت فرزندان. (لبیبی، ۱۳۹۲: ۳۳) از انسان خود خواه و مستبد نمی توان توقع فرزندآوری داشت. مرد یا زنی که راحت طلب و خود خواه باشند و فرد گرایی را بر هر چیزی ترجیح دهند یا به پدر و مادری نمی رسند و یا تربیت صحیحی نسبت به اولاد خود نخواهند داشت. آدم های خودخواه خیال می کنند که اگر الان تک فرزند یا سگ فرزند باشند، می توانند خوشبخت شوند. غافل از این که خوشبختی فقط برای دوران جوانی نیست. این افراد خودشان را فراموش کرده اند و در حال ضربه زدن به خود هستند. در مراحل بعدی زندگی چه در این دنیا باشند چه در آن دنیا، به فرزند نیاز پیدا می کنند. (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۱۹) برای انسان غربی جامعه وجود حقیقی ندارد و در حقیقت جمع جبری افراد است؛ یعنی مجموعه افرادی که تک تک در کنار هم زندگی می کنند و هیچ ارتباط و امتزاجی بین آن ها نیست. در واقع انسان غربی به شکل اتمی است که بر اساس نیازهای خود به سمت یک اتم دیگر می رود و سپس به همان غار تنهایی خویش بازمی گردد. اساس زندگی چنین انسانی فرد انگاری است. عالم فردانگاری عالمی است که تعلقات اجتماعی و خانوادگی را نمی تواند بپذیرد، مگر این که به سودش باشد که به آن اشاره شد. چنین فردی به تدریج خانواده گریز یا خانواده ستیزی می شود. بنابراین در ابتدای امر فرد از خانواده گسترده و فامیلی دور شده و به سوی خانواده هسته ای می آید و سپس از خانواده هسته ای نیز کم کم دور شده و به سمت تجرد تمام عیار سیر می کند و همه چیز حول منیت او می چرخد و خیرخواهی اجتماعی و خانوادگی معنا ندارد. (پارسا، ۱۳۹۲: ۱۷) قرآن کریم در مذمت خودخواهی و اطاعت از هوای نفس می فرماید: «فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَآتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ * وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَتَهَيَّ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۳۷-۴۱). همچنین در آیه دیگری می فرماید: «رَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا * أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان: ۴۳-۴۴). مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» می نویسد: معنای گرفتن اله، پرستیدن آن است و مراد از پرستیدن هم اطاعت کردن است؛ یعنی هر کس هر چه را اطاعت کرده، حقیقت آن را عبادت کرده و معبود خود گرفته است. پس شخصی که از هوای نفس اطاعت می کند، آن را اله خود دانسته و پرستیده است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۰۶). در این نگاه، هدف از زندگی انسان کسب لذات مادی است و این انسان بایستی بتواند از زندگی مادی و دنیوی خود بیشترین لذت را ببرد. سود و منفعت نقش مهمی در زندگی وی دارد که برحسب آن نمی شود، انسان گرسنه باشد و غذایش را به دیگری ببخشد. حب دنیا داشته باشد و خود را به مردن دهد؛ کارهایی از قبیل انفاق و ایثار و ... حماقت است، کارهایی که به سود دیگران است، معنی ندارد، مگر این که بیش از سودی که به دیگری می رسد، به خود شخص برسد. مطلوب نهایی این انسان زندگی اقتصادی و در سایه آن کسب رفاه و سود بیشتر است؛ بنابراین اقتصاد دانش پایه می شود و تنظیمات عرصه های دیگر از جمله خانواده، نظام تعلیم و تربیت، سیاست و ... باید بر مبنای اهداف اقتصادی انجام شود. به طبع مفهوم و معنای تشکیل خانواده حول این محور شکل می گیرد. خانواده هم در دانشکده اقتصاد تحلیل اقتصادی می شود و زن و مرد مانند دو شریک کاری هستند که برای بیشتر شدن منافع مادی خود تلاش می کنند و ممکن است در جایی به این نتیجه برسند که به صرفه نیست باهم باشند و یا صاحب فرزند شوند و حتی مباحث کنترل جمعیت نیز در همین فضا مطرح می شود و زیرمجموعه اقتصاد قرار می گیرد. در زمینه نظام تعلیم و تربیت هم تحصیل زمانی ارزشمند است که به کسب سود بیشتر منجر شود، سیاست هم بایست در خدمت

منافع مادی قرار گیرد (رفیعی، ۱۳۹۱: ۲۵) بررسی داده ها نشان می دهد که با افزایش گرایش های فرد گرایانه در جامعه ، اهمیت فرزندآوری بطور معناداری کاهش می یابد. پاسخگویان با تاکید بر آزادی های شخصی و پیشرفت شغلی و تمایل به تجربه های فردی فرزندآوری را عاملی محدود کننده در مسیر تحقق اهداف زندگی خود تلقی کرده اند. این تغییر نگرش در کنار تحولات فرهنگی و اقتصادی چند دهه ی اخیر ، باعث شده نقش خانواده به عنوان نهادی برای استمرار نسل، کمتر مورد توجه قرار بگیرد. (ایار و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۵)

۶: ریشه های فرهنگی و اجتماعی رفاه طلبی و راحت طلبی

در تحلیل پدیده رفاه طلبی و راحت طلبی، ابتدا لازم است به مبانی نظری و جامعه شناختی این مفاهیم در بستر تحولات مدرن بپردازیم. از دیدگاه تورستین وبلن، جامعه شناس و اقتصاددان برجسته، آسایش و مالکیت نه تنها عنصری ساختاری در جامعه، بلکه واقعیت های بنیادین دوران مدرن محسوب می شوند. وبلنر این باور است که رفاه طلبی و راحت طلبی به مثابه دو مؤلفه کلیدی سبک زندگی مدرن، به گونه ای در تار و پود جامعه تنیده شده اند که طرح ها و ایده هایی نظیر آزادی برای انجام هرچه بیشتر لذت ها را به عنوان مسیری برای رسیدن به اوج کامیابی فردی مطرح کرده اند (ویبلن، ۱۳۸: ۱۲۳). وبلن در تحلیل خود از اهمیت اعتبار اجتماعی، معتقد است که این اعتبار تنها با داشتن ثروت یا قدرت کافی به دست نمی آید، بلکه ضروری است که این ثروت و قدرت به نمایش گذاشته شود. به عبارت دیگر، اعتبار اجتماعی تنها از طریق آشکارسازی و بروز خارجی حاصل می شود، نه صرفاً از طریق انباشت درونی آن. این نمایش ثروت، نه تنها نشانه ای بر اهمیت شخص در نظر دیگران و ابزاری برای حفظ این رابطه اجتماعی است، بلکه به طور همزمان، آرامش خاطر فرد را نیز تأمین کرده و از پیشی گرفتن دیگران در این عرصه رقابتی جلوگیری می نماید. این مفهوم مصرف نمایشی نشان می دهد که چگونه ارزش گذاری ها در جامعه مدرن، از نیازهای واقعی فراتر رفته و به سمت نمایش موقعیت و جایگاه اجتماعی سوق یافته اند. (ویبلن، ۱۳۸: ۱۲۴). برخی از نویسندگان می گویند: مهمترین عامل کاهش رشد جمعیت جایگزینی سبک زندگی دینی به سبک زندگی مدرن و مادی گرا است که زندگی افراد را از نظر فرهنگی تحت تاثیر خود قرار داده است. هرچند مدنیت در ابتدا در قالب ورود صنعت و فناوری اقتصادی، رخ نمود و آسایش و رفاه از مزایای آن محسوب می شد، با گذشت زمان مبانی اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی خود در لایه های مختلف زندگی ایرانیان وارد کرد و بر سبک زندگی آن ها در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی تاثیر گذاشت و کم کم سبک زندگی غربی؛ یعنی فرهنگ غربی در کشور گسترده شد. یکی از پیامدهای فرهنگی مدرنیته؛ یعنی تهاجم فرهنگ غرب، کاهش زاد و ولد و سیر نزولی جمعیت است. به تدریج مضرات مدرنیته که سبک زندگی دینی را نفی می کرد بر فواید آن که بعد رفاهی و آسایش زندگی انسان ها را پوشش می داد، سایه افکند تا آنجا که بخشی از توصیه ها و آموزه های دینی، فدای رفاه و آسایش سبک زندگی مادی گرا شد؛ به نحوی که انسان در خدمت راحتی و آسایش آن قرار گرفت نه رفاه در خدمت انسان. (کاکرهام، ۱۹۹۷: ۲۲۱) در فرهنگ غرب؛ یعنی سبک زندگی مادی گرا، مهمترین امری که برنامه های زندگی بر پایه آن نهاده می شود راحتی و آسایش خود فرد است و آنچه که با رفاه و آسایش فردی در تضاد باشد، مطلوب نیست و باید کنار گذاشته شود. از آنجا که تولد و پرورش فرزند با سختی و زحمت برای پدر و مادر همراه است، آنان از داشتن فرزندان بیشتر استقبال نمی کنند؛ زیرا این سختی، با رفاه و آسایشی که در زندگی مدرن برای فرد، تعریف شده سازگار نیست. از این رو خانواده ها یا فرزند ندارند یا اینکه به تعدادی از فرزند بسنده کرد که با رفاه آن ها، منافات زیادی نداشته باشد. (عباس ولدی، ۱۳۹۲: ۱۵۴) فرهنگ راحت طلبی تنها در بحث فرزند آوری نیست و عامل اصلی ناباروری و عدم رغبت جوانان به ازدواج نیز به شمار می رود، گفت: یعنی این راحت طلبی به اصل تشکیل خانواده هم سرایت کرده است. انتهای فرهنگ مدرنیته به این شکل است که انسان را هر روز راحت طلبتر از قبل بار می آورد و در نتیجه مسئولیت پذیری انسان را کاهش می دهد و با بهانه های گوناگون مالی و اجتماعی آن را بیان می کند اما اصل قصه همین است.

۷: بُعد روان شناختی رفاه طلبی و راحت طلبی در فرزندآوری

مطالعات روان شناختی نشان می دهد هنگامی که سطح رفاه مادی بالا می رود اما رشد ارزش های معنوی و جمع گرایانه همزمان با آن اتفاق نمی افتد، نگرش فرد به مسئولیت های بلند مدت زندگی تغییر می کند. در این شرایط، زوج ها تمایل دارند وقت، انرژی و منابع خود را صرف

تحصیل، پیشرفت فردی لذت های آنی کنن و فرزندآوری را مانعی برای آزادی و آرامش شخصی بدانند. این نگرش علاوه بر کاهش انگیزه ی والدگری، اضطراب و نگرانی نسبت به بار مالی و روانی فرزند را افزایش میدهد و نتیجه ی آن، گرایش به نک فرزند ی یا بی فرزند ی است. راحت طلبی و لذت گرایی به عنوان گرایش های غالب در جوامع صنعتی، موجب کاهش تاب آوری فردی و خانوادگی شده و تمایل به اجتناب از فشارهای روانی ناشی از مسئولیت پذیری را تقویت می کند. در چنین شرایطی، فرایند های تربیتی فرزندان با خلل مواجه شده، زیرا والدین برای تامین آسایش شخصی از صرف انرژی در تربیت و مراقبت بلندمدت خودداری می کنند. (حیدری، ۱۳۹۸: ۵۵) همچنین نگرانی های مالی، فشار کاری و تغییرات سبک زندگی از عوامل مهم در کاهش تمایل به فرزندآوری محسوب می شوند. بر اساس این نظریه برابری جنسیتی، زنان دارای تحصیلات و شغل به دلیل تمایل به تحقق اهداف و خواسته های فردی، از باروری خود می کاهند، چرا که فرزندآوری و پرورش فرزند که در جامعه ی سنتی وظیفه ی اصلی زن بوده مانع دستیابی آنان به آرزوهای شخصی می شود و با توجه به تئوری ارتقاء اجتماعی، خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل شده به فرزندآوری می اندیشد و اگر فرزند را مانع پیشرفت خود بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می کند. (نوغانی دخت بهمنی و نعمتیان، ۱۴۰۰: ۱۵۷)

۸: تأثیر فرهنگ غرب بر سبک زندگی و فرزندآوری

قرآن وجود فرزند را نعمت و منت الهی، بشارت الهی و فرزندآوری را عاملی برای اقتصاد، یار و مددکار انسان، زینت دنیا و موجب امید و نشاط در خانواده می شمارد. (نوروزی، ۱۳۹۴: ۲) اما غرب فرهنگی و فلسفی، با تفکری که در آن انسان می خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر شود و می بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد، پدید آمد. غرب آنچنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویت جدید را برای انسان رقم بزند. جامعه ایران یک جامعه دین دار، دین محور و خدا محور است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می شود با ورود نگرش ها و اندیشه های غربی و جلوه های مدرنیته، این جامعه دچار چالش شده است و متأسفانه جامعه ایرانی علی رغم مقاومت های آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالب های سبک زندگی دینی اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود. بر اساس این دیدگاه، وجود فرزند زیاد موجب تحمیل هزینه های بسیاری است و چون اصالت، با انباشت سود و سرمایه است داشتن فرزند زیاد، توجیه اقتصادی ندارد. متأسفانه امروز در فرهنگ جامعه ما نیز همین نگاه اومانیستی رواج یافته و فرزند را منشاء مشکلات و تحمیل هزینه های مضاعف بر والدین می داند. (رضوانی دیوکلایی، ۱۳۹۹: ۱۱۳) رفاه طلبی و لذت گرایی از شاخصه های اصلی سبک زندگی غربی محسوب می شوند که با تاکید بر آسایش فردی، سرگرمی و رضایت شخصی، روابط خانوادگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این نگرش، فداکاری برای تربیت و پرورش فرزند جای خود را به منفعت شخصی و بهره برداری فردی می دهد. (پاک، ۱۳۸۳: ۲۶). نفوذ فرهنگ غربی در جوامع غیر غربی، به ویژه از طریق رسانه های جمعی، تبلیغات بازرگانی و تولیدات فرهنگی، الگوهای تازه ای از زیبایی، موفقیت و سبک زندگی را معرفی کرده است که اغلب با ارزش های بومی و دینی در تضاد است. این نفوذ، ارزش های فردگرایانه، مصرف گرایی و رفاه طلبی را برجسته کرده و موجب تغییر نگرش خانواده ها نسبت به نقش ها و مسئولیت های سنتی، از جمله فرزندآوری، شده است. از مهم ترین پیامدهای سبک زندگی غربی که منجر به کاهش شدید رشد جمعیت شده است می توان به فردگرایی به معنای فردگرایی در مقابل جمع گرایی است؛ به طوری که انسان به تدریج خانواده گریز و خانواده ستیزی می شود. لذا ایثار و گذشت برای ایفای نقش مادری به خاطر وجود فرزند، فاقد معنا و مفهوم می شود. به میزانی که خصلت فردگرایی به شکل محسوس یا نامحسوس در جامعه رشد کند، تمایل افراد به داشتن گروه یا گروه های پرتعداد کم می شود و این گونه است که فرد تمایلی ندارد با فرزندآوری، گروه بزرگ تر و ناهمگون سنی تشکیل دهد و از فردیت خود منفک شود اشاره کرد. فردگرایی جهان بینی ای است که فرد در مرکز آن قرار دارد. اهداف فردی، ویژگی های منحصر به فرد، فرمان راندن بر خویشتن، کنترل شخصی و بی تفاوتی به مسائل پیرامون از خصوصیات این نوع جهان بینی است. فردگرایی یک معضل جهانی است که بسیاری از مردم دنیا را درگیر خود کرده، به طوری که

نیازهای فردی را به داشتن فرزند ترجیح می دهند. جامعه ما نیز تحت تأثیر این فرهنگ غربی قرار گرفته به طوری که بسیاری از زنان ایرانی تأمین خواسته های خود را در اولویت قرار می دهند.

۹: نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان می دهد که مجموعه ای از گرایش های رایج در سبک زندگی معاصر، از جمله رفاه طلبی، راحت طلبی، فردگرایی، مصرف گرایی، و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب، به شکل مستقیم و غیرمستقیم در کاهش تمایل به فرزندآوری نقش دارند. این عوامل، با ایجاد اولویت های تازه مبتنی بر ارزش های مادی، لذت محوری و استقلال فردی، جایگاه سنتی و دینی خانواده را در ساختار ارزشی جامعه کمرنگ کرده اند. در نتیجه، فرزند که زمانی سرمایه ای اجتماعی، مایه انسجام خانوادگی و نماد تداوم نسل به شمار می رفت، در گفتمان جدید بیشتر به عنوان عاملی محدودکننده رفاه شخصی و مانع تحقق آزادی های فردی تعریف می شود. برخلاف تصویری که کاهش باروری را صرفاً ناشی از متغیرهای اقتصادی می داند، یافته های حاضر همسو با پژوهش های مشابه نشان می دهد که تغییر نگرش ها و ارزش ها نقشی عمیق تر و پایدارتر در این روند دارند. این بررسی ها آشکار می کند که تأثیر عوامل مذکور خطی و جدا از هم نیست، بلکه در قالب چرخه ای تقویت کننده عمل می کنند؛ به گونه ای که مصرف گرایی، رفاه طلبی و راحت طلبی را تحریک می کند، این گرایش ها با فردگرایی پیوند می خورد، و در نهایت تحت تأثیر الگوهای فرهنگی غربی، نگرش به نقش مادری و پدری دگرگون می شود. مقایسه یافته ها با پژوهش های انجام شده در این حوزه حاکی از آن است که الگوی مشاهده شده در ایران باتحولات فرهنگی مشابه در کشورهای دیگر همسو است، با این تفاوت که شدت و شیوه بروز آن وابسته به شرایط بومی و زمینه های خاص فرهنگی جامعه ایران است. بر این اساس، پیشنهاد می شود پژوهش های آینده به بررسی دقیق تر تأثیر رسانه ها و شبکه های اجتماعی بر نگرش نسل جوان نسبت به فرزندآوری، مطالعه تجربه های زوجین در مواجهه با فشارهای فرهنگی و اقتصادی، و نیز ارزیابی کارآمدی برنامه های آموزشی و مداخله ای برای احیای ارزش خانواده و افزایش تمایل به فرزندآوری بپردازند. بازگرداندن تمایل به فرزندآوری نیازمند مداخله های چندبعدی است که شامل بازتعریف فرهنگی و دینی جایگاه فرزند، طراحی سیاست های حمایتی برای کاهش هزینه های فرزندآوری، و ترویج آگاهی نسبت به آثار بلندمدت سبک زندگی فردگرا و مصرف محور بر پایداری نسل و انسجام اجتماعی باشد. همچنین، پژوهش های آینده می توانند با بررسی عمقی تر هر یک از این عوامل، میزان اثرگذاری آن ها در گروه های سنی و اجتماعی مختلف را سنجیده و راهبردهایی هدفمند برای بهبود روند فرزندآوری ارائه دهند.

منابع

- ❖ قرآن کریم
۱. استاجی، زهرا (۱۳۸۵)، «بررسی سبک زندگی در ساکنین شهر سبزوار»، مجله دانشکده علوم پزشکی سبزوار، دوره سیزدهم، شماره سه
۲. افشارکهن، جواد؛ صادقی، رسول (۱۳۸۵)، «تعامل جمعیت و نظام اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله جمعیت»، جمعیت‌شناسی ایران، شماره بیست و یک
۳. اکبر، علی‌رضا؛ مقامی، لیلا (۱۳۹۸)، «تحلیل گرایش خانواده‌ها به رفاه‌طلبی و تأثیر آن بر فرزندآوری»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، شماره سه
۴. ایاز، علی؛ الیاسی، مجید؛ دانش، یونس (۱۴۰۱)، «اهمیت فرزندآوری در جامعه فردگرا»، فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره بیست
۵. پارسا، داوود (۱۳۹۲)، «تأثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایران»، وبسایت استاد علی صفایی حائری.
۶. پاک، محمد (۱۳۸۳)، جمعیت‌شناسی: جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

۷. جوکار، محبوبه؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «مدرنیته سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره دو
۸. چراغی کوتائی، اسماعیل (۱۴۰۰)، «تغییرات ارزشی خانواده و نقش آنها در کاهش باروری در خانواده ایرانی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره دو
۹. حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۲)، «معنویت در سبد مصرف، جلد اول، چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. حیدری، محمد (۱۳۹۸)، «بررسی پیامدهای فرهنگی رفاه‌گرایی در سبک زندگی خانواده‌های شهری»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، شماره دو
۱۱. رحیمی، علی (۱۳۹۸)، «مصرف‌گرایی و تغییرات فرهنگی»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره یک
۱۲. رضوانی دیوکلائی، سیده زینب؛ رضائیان، حسین؛ رحمتی، امین (۱۳۹۹)، «نگرش به فرزندآوری: نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی»، روانشناسی و دین، شماره چهار
۱۳. رفیعی، عطاءالله (۱۳۹۱)، «مقایسه سبک زندگی اسلامی و غربی از منظر اسلام‌شناسی»، نشریه خراسان، شماره بیست و نه
۱۴. سخترانی رهبر معظم انقلاب (۱۳۶۸/۰۷/۲۶)، سخنرانی.
۱۵. سیدی‌نیا، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره سی و چهار
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، «المیزان فی تفسیر القرآن، جلد شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. عباس‌ولدی، محسن (۱۳۹۲)، «ایران جوان بمان، چاپ اول، قم: جامعه الزهرا.
۱۸. علی‌پور، سید احمد و همکاران (۱۳۹۴)، «مصرف‌گرایی و تاثیر آن بر کارکردهای خانواده در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره بیست و دو
۱۹. کاکرهم، ویلیام (۱۹۹۷)، «سبک زندگی، طبقه اجتماعی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و رفتارهای سلامت، نیویورک: انتشارات پلنوم پرس.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، «مدرنیته و هویت شخصی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
۲۱. لبیبی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، «نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره شصت و چهار
۲۲. محمدی، سید محسن؛ خلیفه، حسین؛ فرهادی، مریم (۱۳۹۳)، «سبک زندگی زمینه‌ساز و زندگی غربی»، پژوهشنامه سبک زندگی، شماره سی و یک
۲۳. ملتفت، حسین؛ نواح، عبدالرضا؛ رشیدی، ساره (۱۳۹۸)، «بررسی تاثیر انواع سبک زندگی بر رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر اهواز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره چهار
۲۴. نوروزی، مجتبی؛ صادقیان، غلامرضا (۱۳۹۴)، «راهبردها و سیاست‌های تشویقی قرآن کریم پیرامون فرزندآوری»، فصلنامه جمعیت، شماره نود و یک و نود و دو
۲۵. نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ نعمتیان، ساره (۱۴۰۰)، «فرایند تصمیم‌گیری زوجین در تاخیر فرزندآوری و شرایط اجتماعی دخیل در آن»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره هجده
۲۶. وبستر، مریام (۱۸۴۳)، «فرهنگ لغت انگلیسی آمریکایی، جلد اول، چاپ اول، اسپرینگفیلد، ماساچوست: انتشارات مریام وبستر آمریکا.

۲۷. وِبکن، تورستین (۱۳۷۸)، *نظریه طبقه تن‌آسا*، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ نهم، تهران: نشر نی.

۲۸. وکایی، سید مسعود (۱۳۷۶)، *رسانه و سبک زندگی*، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

